

بخشش دختر ۱۸ ساله که با کمک دوستش، خواهر و مادرش را به قتل رساند

22 مرداد 1403

دختر 18 ساله که با همدستی دوست صمیمی خود و پسری جوان نقشه قتل مادر و خواهرش را عملی کرده بود تا بتواند از ایران خارج شود از سوی پدر و مادر بزرگش بخشیده شد.

به گزارش «مادران و دختران» به نقل از اعتماد؛ این پرونده از اردیبهشت ماه امسال در حال رسیدگی بود و هر سه متهم آن در زندان به سر می‌پرند تا اینکه اولیای دم (پدر و مادر بزرگ دختر 18 ساله) راهی دادرسی جنایی تهران شدند و او را بخشیدند. آنها اعلام کردند که از دخترشان شکایتی ندارند، اما برای دو متهم دیگر پرونده خواستار اشد مجازات هستند. با گذشت اولیای دم، رسیدگی به این پرونده وارد مرحله‌ای تازه شده است...

۱۹ اردیبهشت ماه سال جاری دختری ۱۳ ساله و مادر او در خانه‌شان بدحال و بعد از انتقال به یکی از بیمارستان‌های غرب تهران فوت می‌کنند. کارکنان انتظامات این بیمارستان از طریق تماس تلفنی مرگ مشکوک این مادر و دختر را به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ گزارش می‌دهند. به دنبال اعلام این خبر ماموران کلانتری در محل بیمارستان حضور پیدا می‌کنند و با اطلاع موضوع به بازپرس کشیک قتل دادرسی امور جنایی پرونده‌ای در مورد مرگ مادر و دختر تشکیل می‌شود. تحقیقات اولیه نشان می‌داد این مادر و دختر بر اثر خوردن کنسرو ماهی جان‌شان را از دست داده‌اند، اما بعد از مدتی پزشکی قانونی اعلام می‌کند که مرگ آنها بر اثر مسمومیت با سم سیانور بوده است. همین موضوع فرضیه وقوع قتلی هولناک و برنامه‌ریزی شده را برای کارآگاهان جنایی اداره دهم اداره آگاهی پررنگ می‌کند. همچنین کارآگاهان در بازرسی خانه مقداری سیانور پیدا می‌کنند که ظن آنها را نسبت به این حادثه برمی‌انگیزد. در نهایت نیز کارآگاهان، دختر خانواده و دوست او را به عنوان مظنونان اولیه دستگیر و بازداشت می‌کنند.

آنها در اعترافات خود عنوان می‌کنند که سم را از مرد جوانی در خیابان ناصرخسرو خریداری کرده‌اند. مرد جوان در اظهارات خود عنوان کرد: «در یک عطاری کار می‌کنم. یک روز در بازار ناصرخسرو، دختر این خانواده سراغم آمد و از من قرص خواست، اما ندادم. چند روز بعد با دوستش آمدند. می‌گفتند؛ پشت کنکوری‌اند و قرص‌ها را برای کارهای آزمایشگاهی می‌خواهند. ۱۰ میلیون تومان پرداخت کردند و من قرص‌ها را به آنها دادم، اما چند بار دیگر هم برای خرید قرص آمدند، می‌گفتند قرص‌ها بی‌نتیجه بود تا اینکه دختر خانواده یک روز آمد و گفت، می‌خواهد خانواده‌اش را بکشد، اما قرص‌ها اثر نمی‌کند. با حرف‌هایش اعتمادم را جلب کرد و فریب داد. از میان حرف‌هایم فهمیده بود ۱۰۰ میلیون تومان پول به چند نفر بدهکارم. به من گفت ۲۰ میلیون تومان دیگر می‌دهد تا بدهی‌ام را پرداخت کنم. بعد گفت با هم ازدواج می‌کنیم و از ثروتی که به او می‌رسد سهمی نصیبم می‌شود. همین حرف‌ها و سوسه‌ام کرد که با او همراه شوم. قرص‌های قوی‌تر و بعد حتی آرسنیک و سیانور به او دادم تا نقشه جنایت را

عملي كند. يكبار خانواده‌اش شمال بودند كه من هم آنجا رفتم. خرما آورد و آغشته به قرص‌هاي سمي كرد و خواست آن را براي خانواده‌اش ببرم. به شمال رفتم، اما ترسيدم و خرما را تحويلش دادم و گفتم جرات نكردم. خود دختر خانواده خرماها را به خوردشان داد و چند روزي بد حال شده بودند. روز آخر از من آرسنيك و سيانور گرفتند. در يكي از پارك‌هاي محله‌شان بسته سم‌ها را تحويل دادم. ۱۰ دقيقه بعد دختر خانواده، تلفني شيوه مصرف آن را پرسيد و ديگر تلفن‌هايم را جواب نداد. بعد از دستگيري فهميدم دو عضو خانواده‌اش را با همدستي دوستش كشته است. وسوسه پول باعث شد قرص و سم‌ها را به آنها بفروشم.»

دختر خانواده نيز در مورد اين حادثه گفت: «خانواده‌ام مي‌خواستند به زودي از ايران مهاجرت كنند. من و دوستم سال‌ها همكلاسي بوديم. او به خانه‌مان رفت و آمد داشت و ناراحت بود كه از هم جدا مي‌شويم. اين اواخر مي‌گفت اگر جدا شويم ديگر همدیگر را نمي‌بينيم. همين باعث شد فريب حرف‌هايش را بخورم. انگار مرا جادو كرده بود و هر چه مي‌گفت سريع قبول مي‌كردم و با خواسته‌هاي او پيش مي‌رفتم. خواست خانواده‌ام را بكشم كه قبول كردم. در اينترنت سرچ مي‌كرديم تا راهي براي قتل پيدا كنيم. با هم فيلم‌هاي جنايي خارجي و ايراني نگاه مي‌كرديم تا از روي يكي از اين فيلم‌ها و سريال‌هاي جنايي، نحوه قتل را بدون اينكه ردي بگذاريم، پيدا كنيم.

اسفند ۱۴۰۲ بعد از كلي مطلب خواندن و فيلم جنايي ديدن، قرار شد خانواده‌ام را با سم بكشيم. از پسری كه با او آشنا شده بودم سم خريدم. به پيشنهاد دوستم سم را در غذا، تن ماهي و ماست ريختم و خانواده‌ام خوردند. آنها با دل‌پيچه و مسموميت در بيمارستان بستري شدند، اما زنده ماندند. چندين مرتبه آنها را به خواست دوستم مسموم كردم كه زنده ماندند. يكبار هم در شمال در خرما سم ريخته و به خانواده‌ام دادم كه دوز سم كم بود و چند روز در بيمارستان بستري شدند تا اينكه نوزدهم ارديبهشت امسال نقشه آخرمان را اجرا كرديم.

مرکز مشاوره

حال خوب

دکتر کبری درویش پیشه
قزوین، خیابان شهید بابایی مقابل
دادگستری قزوین
ازدواج، خانواده، تحصیلی
با ما در تماس باشید
۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸
۰۲۸۳۳۶۷۲۷۵۰

دوستم آمد و سيانور را به من داد و ما آن سم را كمي در ماست و كمي در غذاي خانواده‌ام ريختم كه زياد تاثير نكرد. بعد يكي از كپسول‌ها را به جاي دارو به مادر و خواهرم دادم كه باعث مرگ‌شان شد. مي‌خواستم پدرم را به همان شيوه بكشم كه نشد و بازداشت شدیم. به تحريك دوستم قاتل دو عضو خانواده‌ام شدم. او دوست نداشت من از ايران بروم و تنه‌ايش بگذارم و از سويي طمع اموال‌مان را داشت.»

دوست این دختر جوان نیز اظهار کرد: «با دختر این خانواده همکلاسی و دوست صمیمی هستم و به خاطر درس خواندن و آزمون کنکور این اواخر زیاد به خانه‌شان می‌رفتم. در این میان با رویاپردازی‌هایی که داشتیم با یکدیگر تصمیم گرفتیم اعضای خانواده‌اش را با سم به قتل برسانیم و سپس تمام اموال را تصاحب و در نهایت از ایران مهاجرت کنیم. به خاطر همین به خیابان ناصرخسرو رفتیم و آرسنیک خریدیم و مقداری از آن را داخل غذای خانواده دوستم ریختیم، اما نقشه‌مان عملی نشد و آنها فقط چند روز در بیمارستان بستری شدند. فهمیدیم احتمالاً فروشنده جنس تقلبی به ما داده یا ما کم در غذا ریخته بودیم. برای همین مجدد سیانور خریدیم.

شب حادثه با شگردهای مختلف و از پیش طراحی شده با کمک دوستم سم را به خانواده‌اش خوراندیم که باعث مرگ مادر و دختر شد، اما پدر خانواده جان سالم به در برد.»